

## فرهنگ نامه‌ی سیاسی



با جهانی شدن بسیاری از قراردادهای اجتماعی و نزدیک‌تر شدن فرهنگ‌های مختلف دنیا زیر نام «تنوری ژئوپولیتیکی»، «ژئوایدئولوژیکی» و «گلوبالیزیشن»<sup>۱</sup>، برخورد صلح آمیز تمدن‌ها امری طبیعی و ضروری به نظر می‌رسد. در پی این دگرگونی‌های انکار ناپذیر و حتمی، نزدیکی فرهنگ‌ها و از پس آن نزدیکی زبان‌های مختلف دنیا باعث گردیده است که تعداد زیادی از واژگان سیاسی، ادبی، فنی و اجتماعی با حفظ ریشه‌های اولیه، اما با تغییراتی بسیار اندک در بین مردم مختلف دنیا رایج شوند.

آن گستردگی تمدن‌ها باعث این نزدیکی زبان‌ها به یک دیگر شده و دیده می‌شود که برخی از واژگان یک زبان به شکل بسیار گسترده‌ای در بین تمام مردم جهان با

اختلاف‌هایی کم و بیش ظاهری مورد استفاده قرار می‌گیرند. برخی از آن اصطلاح‌های جهانی که بیش‌تر ریشه‌ی لاتینی (انگلیسی) دارند قابل تبدیل و ترجمه به زبان‌های دیگر نیستند؛ و اگر هم به زبان دیگری برگردند، آن ویژگی نخستین و معنی اصلی خود را از دست می‌دهند.

با توجه به نیاز جامعه‌ی در حال توسعه‌ی ایران، لزوم استفاده از واژگان و اصطلاح‌های فنی، سیاسی، فلسفی و ادبی بین‌المللی انکار ناپذیر است. تا زمانی که فرهنگستان زبان پارسی جای‌گزینی مناسب برای این واژگان بیگانه پیدا نکرده است و یا اگر هم جای‌گزین علمی و ادبی برای آن‌ها تهیه شده، اما هنوز در جامعه جا نیفتاده است، نمی‌توان استفاده‌کنندگان این اصطلاح‌ها را مورد انتقاد قرار داد. زیرا برخی از همین واژه‌ها کاربردی جهانی دارند و بیش‌تر مورد استفاده دانش پژوهان و متخصصان قرار می‌گیرند.

چنانچه به این حقیقت توجه نماییم که بسیاری از افراد معمولی جامعه و یا حتی گروه فراوانی از دانش‌آموخته‌گان ایرانی در کاربرد این اصطلاح‌ها دچار اشکال شده و یا از درست خوانی آن بی‌اطلاع هستند، به این نتیجه می‌رسیم که لزوم بازنگری، بازنویسی و بازخوانی این اصطلاح‌های ادبی، سیاسی، علمی، فلسفی و فنی کاری بسیار شایسته و ضروری است. اطلاع‌رسانی در این مورد باید خارج از فرهنگ نامه‌نویسی‌های متداول و کتاب‌هایی که در این زمینه به نگارش در

آمده‌اند، در رسانه‌های نوشتاری و گفتاری در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرند؛ تا اگر قرار است این اصطلاح‌های بیگانه به ناچار مورد استفاده واقع شوند، راه استفاده درست و علمی آن‌ها هموار گردیده و به شکل مسخ شده و یا غلط آشکار به کار گرفته نشوند.

به همین منظور مجله‌ی فردوسی در نظر دارد با استاد به علم فیلولوژی<sup>۲</sup> برخی از واژگان بسیار مهم بین‌المللی، اصطلاح‌های سیاسی و فلسفی را در تعریفی کوتاه، جامع و مفید برای استفاده علاقه‌مندان به چاپ برساند. ما سعی خواهیم کرد واژگان مورد نظر را به ترتیب حروف الفبا تقسیم بندی کنیم، اما چنانچه در حال انجام کار مطلب جدیدی به مجله برسد، آن تقسیم بندی اولیه رعایت نخواهد شد.

<sup>۱</sup> - Geo.Political Theory , Geo.Ideological Theory & Globalization Theory.

<sup>۲</sup> - فیلولوژی Philology - واژه شناسی - واژه پژوهی - تاریخ شناسی واژه ها - ریشه یابی واژه‌ها - علم پژوهش در مورد واژه‌ها .

مملکت داری به کار می‌رود. در این صورت مفهوم اقتصادی آن به معنی سیاسی‌اش برتری دارد. مانند: امپراتوری امریکن، اوپل، استاندارد (AOS) امپراتوری بریتیش پترولیوم (B.P) امپراتوری آی - بی - ام (IBM) امپراتوری اوناسیس، امپراتوری هوارد - هیوز، امپراتوری تکسترون و ..... که هر یک از این امپراتوری‌ها به علت گستردگی دامنه‌ی فعالیت‌های بین‌المللی اقتصادی‌شان به امپراتوری‌های جغرافیایی و سیاسی تشبیه شده‌اند.

### ۳- انقلاب فرانسه FRENCH REVOLUTION

یکی از مشهورترین انقلاب‌های جهان به شمار می‌رود. این انقلاب علیه اشرافی‌گری، بی‌عدالتی‌های اجتماعی، اتحاد روحانیون و هیأت حاکمه، تقسیم مشاغل مهم اجتماعی و مقامات بالای سیاسی بین نزدیکان حاکمیت و نادیده گرفتن حقوق افراد طبقه‌ی متوسط و پایین جامعه صورت پذیرفت.

انقلاب فرانسه به علت اهمیت و اعتبار سیاسی و اجتماعی و تأثیر گذاری آن بر اندیشه‌های سیاسی جهان، انقلاب کبیر خوانده شده است. انقلاب فرانسه مدیون وجود نویسندگان نامی و افکار فلسفی، سیاسی و اقتصادی قرن هیجدهم است که این روشن‌گری را در بین مردم عادی ایجاد کردند که عامل تمام بی‌عدالتی‌های اجتماعی آن‌ها، وجود رابطه‌ی تنگاتنگ روحانیون با هیأت حاکمه و دربار لویی شانزدهم با کلیسا می‌باشد.

در سال ۱۷۸۹ میلادی و در اوج بحران‌های سیاسی و اجتماعی، لویی شانزدهم با هم‌کاری کلیسا و روحانیتی که خود را در حاکمیت اشرافی فرانسه شریک می‌دانست، تصمیم گرفتند مجلسی طبقاتی تشکیل دهند. در مجلس طبقاتی فرانسه نمایندگان روحانیون و اشراف و افراد مورد نظر هیأت حاکمه در یک مجلس و نمایندگان کارگران، افراد عادی و طبقه‌ی سوم<sup>۳</sup> در مجلس دیگری گردهم می‌آمدند.

اعتراض روشن‌فکران و مردم نسبت به این تبعیض آشکار و بی‌عدالتی‌های اجتماعی و سیاسی باعث شد تا نمایندگان مجلس دوم درخواست یک مجلس مشترک و بدون تبعیض از تمام نمایندگان بنمایند. با گسترش دامنه‌ی اعتراض‌ها، نمایندگان مجلس دوم اعلام کردند که حاضر نیستند بدون حضور روحانیون و اشراف در مجلس جداگانه‌ای حاضر شوند، زیرا آن‌ها اعتقاد داشتند که تصمیم‌گیری‌ها باید گروهی بوده و در یک مجلس انجام شود.

۳- برخی از جامعه‌شناسان طبقات اجتماعی و گروه‌های مردمی را به سه دسته تقسیم کرده‌اند ۱- طبقه‌ی اشراف ۲- طبقه‌ی روحانیون ۳- طبقه‌ی عامه چنان‌چه به تاریخ تمدن ملت‌ها توجه شود، این تقسیم‌بندی از تاریخی چندین هزار ساله برخوردار است.

در عین حال یادآوری می‌شود که برای جلوگیری از یک نواختی فرهنگ‌نویسی و ایجاد تنوع در گزینش مطالب، علاوه بر پرداختن به کار اصلی، بخش‌هایی نیز به منظور تعریف مکتب‌ها، قراردادها، سازمان‌های بین‌المللی، حزب‌ها، ایدئولوژی‌ها، انقلاب‌ها و ... اختصاص خواهد یافت. تهیه کنندگان این بخش امیدوارند که تلاش آن‌ها مورد استفاده دانش‌جویان، محققان و دانش‌پژوهان قرار گیرد:

### EMPEROR

#### ۱- امپراتور

به حاکم مستبد، خود رأی و دیکتاتور گفته می‌شود که «خویشتن‌سالاری» اولین و آخرین کلام سازمان سیاسی و حکومتی سرزمین زیر فرماندهی‌اش به حساب می‌آید.

اگر چه تا نیمه‌های دوم قرن نوزدهم و تا اوایل قرن بیستم چندین امپراتور بر قسمت‌های مختلف گیتی حکومت می‌راندند، اما وقتی صحبت از «امپراتور» می‌شود، به صورت ناخودآگاه ذهن انسان متوجهی امپراتوران ایران، یونان، روم، چین و برخی از کشورهای دیگر قبل از سده‌های میانه می‌شود.

### EMPIRE

#### ۲- امپراتوری

به رژیم و حکومتی گفته می‌شود که به وسیله‌ی یک امپراتور اداره می‌گردد. گاهی وقت‌ها کلمه‌ی امپراتوری برای مفاهیم دیگری جدا از





روحانیون و اشراف چون منافع خود را در خطر می‌دیدند از پذیرفتن پیشنهاد مجلس دوم امتناع کردند. بدین ترتیب خشم عمومی علیه دو گروه نخستین یعنی گروه روحانی و اشراف برانگیخته شد و نمایندگان مجلس دوم سوگند یاد کردند تا برای فرانسه قانون اساسی جدیدی ننویسند، دست از مبارزه بر ندارند.

لویی شانزدهم فرمان داد تا نمایندگان معترض مجلس دوم متفرق شوند که این امر مورد موافقت مردم، نمایندگان آنها و روشن فکران جامعه قرار نگرفت. سخن رانی‌های پرطرفدار و هیجان آور «میرابو»<sup>۴</sup> (انوره، گابریل، ریکتی، کنت میرابو ۱۷۱۵-۱۷۸۹) خطیب بزرگ فرانسوی به جانب داری از نمایندگان مجلس دوم و مخالفت وی با تصمیم گیری‌های دربار لویی شانزدهم<sup>۳</sup> سبب شد تا موج مخالفت‌های عمومی علیه هیأت حاکمه گسترش یابد. «میرابو» در یکی از سخن‌رانی‌هایش علیه هیأت حاکمه گفته بود: «ما با رأی و اراده مردم در مجلس ملی جمع شده‌ایم و جز با زور اسلحه و سرنیزه متفرق نخواهیم شد.»

یکی از موارد بسیار مهم و اختلاف برانگیز بین مجلس دوم و مجلس

روحانیون و اشراف می‌شد که در صورت رأی گیری، تعداد آرای نمایندگان مردم همیشه در اکثریت بود.

نمایندگان مجلس دوم بدون توجه به مخالفت‌های آشکار دربار و روحانیون، مجلس جدیدی تشکیل دادند و نام آن را «مجلس ملی» گذاشتند. در نخستین تصمیم گیری‌های «مجلس ملی» قانونی به تصویب رسید به این شرح: ۱- انحلال مجلس طبقاتی ۲- پرداخت مالیات فقط با تصویب مجلس ملی ۳- تدوین قانون اساسی جدید ۴- تشکیل مجلس مؤسسان در داخل مجلس ملی.

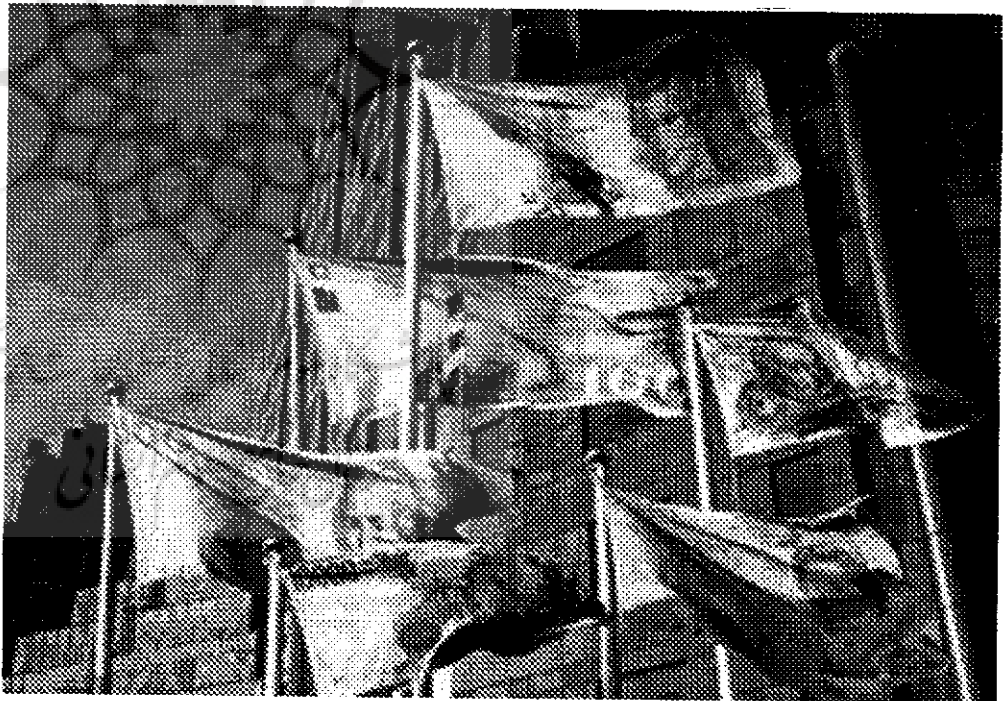
قانون اساسی جدید در «مجلس مؤسسان» که همان «مجلس ملی» بود پس از دو سال گفت و گو و تفسیر و تحلیل به تصویب رسید. برابر قانون اساسی جدید که به قانون اساسی ۱۹۷۱ میلادی مشهور است مقرر گردید سیستم حکومتی فرانسه از حکومت استبدادی به مشروطه تغییر یابد. در سیستم حکومتی جدید قوای مقننه، مجریه و قضاییه از یک دیگر مستقل و جدا شدند. شاه برابر قانون جدید فقط می‌توانست اجرای قوانین را برای مدتی محدود به تعویق اندازد و حق دخالت مستبدانه در دیگر امور مملکتی از وی گرفته شده بود.

یکی از ویژگی‌های انقلابی قانون اساسی فرانسه که می‌تواند به عنوان نخستین و شایسته‌ترین قانون سیاسی و حکومتی دنیا شناخته شود تأکید بر ۳ اصل: رعایت حقوق بشر، آزادی انسان‌ها و استقرار حکومت ملی بود.

انقلاب فرانسه باعث گردید تا نوعی خط مشی سیاسی و سیستم حکومت پارلمانی جای‌گزین حاکمیت‌های سنتی پیشین گردد. به همین منظور بسیاری از کشورهای جهان به ویژه حکومت‌های دیکتاتوری، امپراتوری و پادشاهی اروپا به سختی با این انقلاب به مخالفت برخاستند. انقلاب فرانسه باعث شد تا: سلطنت استبدادی منحل گردد، نمایندگان مردم سرنوشت کشور را در دست گیرند، تمام مردم در مقابل قانون سر تعظیم فرود آورده و تسلیم قانون شوند و امتیازهای فراوان طبقه روحانیون و اشراف از میان برود.

انقلاب فرانسه همانند تمام انقلاب‌های دیگر اگر چه از سوی بیش‌تر گروه‌های روشن فکر و مردم عادی پشتیبانی می‌شد، اما مورد اعتراض و مخالفت گروه‌های مخالف قرار داشت و طرف‌داران دو شیوه سیاسی مختلف در یک زد و خورد عملی و کشمکش سیاسی و جنگ داخلی نزدیک به یک سال با یک دیگر می‌جنگیدند.

با طولانی شدن زد و خورد‌های داخلی تعدادی از طرف‌داران دربار با گفت و گوهای پنهانی و پشت‌پرده با سایر کشورهای اروپایی، آنها را



اشراف، تعداد نمایندگان مجلس دوم بود که در صورت یکی شدن دو مجلس، تعداد نمایندگان طبقه سوم فرانسه دو برابر نمایندگان

۴- «میرابو» در گرماگرم مبارزه مردم فرانسه علیه روحانیون و هیأت حاکمه به شکلی مخفیانه با دربار، لویی شانزدهم و ملکه سازش کرد و شیوه محافظه کاری پیش گرفت. «میرابو» پیش از آشکار شدن رازش در سال ۱۷۹۱ میلادی در گذشت. بعد از مرگش مردم فرانسه به ارتباط وی با دربار لویی شانزدهم پی بردند.





اقدام بعدی «مجلس کنوانسیون» درخواست محاکمه‌ی لویی شانزدهم به اتهام خیانت علیه مردم فرانسه و منافع ملی کشور بود. لویی شانزدهم از حکومت بر کنار شد و خیلی سریع به محاکمه کشیده شد و برابر رأی هیأت داوران به جرم خیانت به فرانسه به مرگ محکوم و اعدام شد. گروه‌های طرف‌دار حکومت پادشاهی و مخالفان سیستم جمهوری که بیش‌ترین آن‌ها را روحانیون، اشراف و خانواده دربار تشکیل می‌دادند به فتنه‌انگیزی پرداختند و «کنوانسیون» را ناچار ساختند تا با دستگیری آشوب‌گران، تعداد زیادی را به جرم خیانت به فرانسه، تبعید، زندانی و یا اعدام نماید. دوره طولانی یک ساله سخت‌گیری‌ها و اعدام‌ها در تاریخ فرانسه به دوره «تورور»<sup>۶</sup> مشهور شده است.

بسیاری از کشورهای اروپایی و دشمنان پیشین فرانسه با استفاده از آشوب‌های داخلی به امید اشتغال تمام یا بخشی از خاک فرانسه، به این کشور هجوم آوردند که با مقاومت سرسختانه‌ی ناسیونالیست (ملی‌گرا)های فرانسوی رو به رو شده و سرانجام قوای بیگانه ناچار به ترک فرانسه گردیدند.

انقلاب فرانسه علاوه بر تغییرات سیاسی بسیار گسترده در سطح داخلی و تأثیر گذاری بر اوضاع سیاسی آن روز اروپا و جهان، اصلاحاتی زیر ساختی در داخل مملکت به وجود آورد. فرهنگ، شعر، ادبیات، داستان، اطلاع‌رسانی، سیاست، اقتصاد، اندازه‌های وزنی، مقیاس‌های طولی و بسیاری تغییرات دیگر، کم‌ترین دست آورد انقلاب فرانسه به حساب می‌آید.

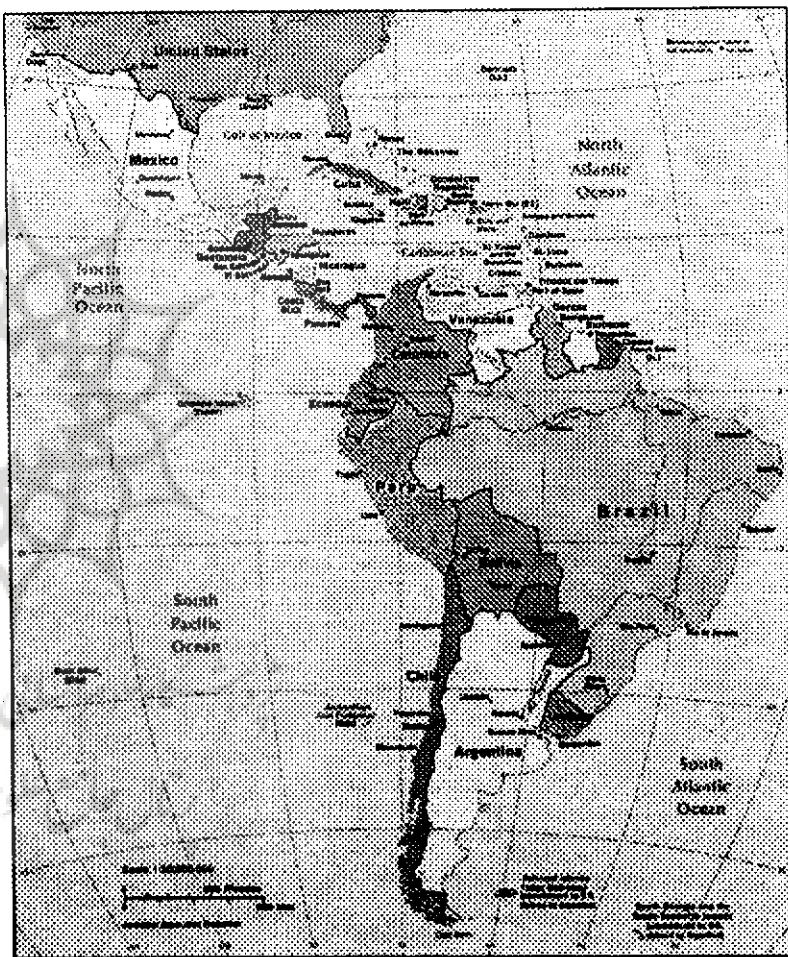
انقلاب فرانسه پس سال‌های نخستین شکوفایی، دست خوش اختلاف‌های بسیار شدید ایدئولوژیکی بین رهبران و طرف‌داران خود شد. سال‌های طولانی مردم فرانسه دچار هیجان‌های داخلی، بحران سیاسی، هرج و مرج و یورش‌های بیگانگان بودند. آشوب‌گران آن چنان میدان را بر مردم تنگ کرده بودند که مردم در انتظار یک ناجی به سر می‌بردند. سرانجام با ظهور نابغه‌ای به نام ناپلئون بناپارت «ناپلئون کبیر» مردمی که در انتظار یک ناجی بودند، به آرزوی خود رسیدند.

انقلاب فرانسه در تاریخ چهاردهم جولای سال ۱۷۸۹ میلادی با فتح زندان مشهور باستیل آغاز گردید و تا سال پیروزی و به قدرت رسیدن ناپلئون بناپارت در سال ۱۷۹۹ ادامه یافت. با حکومت مستبدانه و اعلام امپراتوری ناپلئون اول و دوم و سوم فرانسه دست خوش دگرگونی‌های گسترده سیاسی گردید، اما زیرساخت‌های «انقلاب کبیر فرانسه» راه‌گشای دموکراسی آن سرزمین و بسیاری از کشورهای اروپایی و جهان شد.

ادامه دارد.

تشویق کردند که برای نجات پادشاهی لویی شانزدهم به فرانسه لشکرکشی کنند. کشورهای اروپایی از وحشت سرایت شعله‌های سرکش آتش انقلاب فرانسه به کشورهایشان با فرستادگان لویی شانزدهم موافقت کردند و سرانجام سپاه اتریش به خاک فرانسه حمله کرد. مردم فرانسه به رهبری انقلابیون ملی‌گرای خود به مقابله با سپاهیان اتریش برخاستند، اما، به علت خیانت لویی شانزدهم که قبل از حمله‌ی سپاهیان اتریشی، نقشه‌ی جنگ را در اختیار آنان گذاشته بود، مردم فرانسه شکست خوردند.

با شکست فرانسویان از سپاهیان اتریش و آشکار شدن خیانت لویی



شانزدهم علیه ملت فرانسه، مردم به شدت تحریک شده این کشور، به ویژه شهروندان پاریسی در یک حرکت کامل انقلاب «مجلس ملی» را مجبور ساختند تا به جرم خیانت به فرانسه لویی شانزدهم را از سلطنت بر کنار کند.

با بوکناری لویی شانزدهم نمایندگان مردم فرانسه مجلس جدیدی به نام «کنوانسیون»<sup>۵</sup> تشکیل دارند. نخستین اقدام «مجلس کنوانسیون» تغییر حکومت مشروطه‌ی سلطنتی به جمهوری بود.

۵ - کنوانسیون CONVENTION. در حال حاضر این کلمه در گفتمان سیاسی

ملت‌ها به همین شکل مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۶ - ترور: به فرانسه - TERREUR به انگلیسی - TERROR